

سخنرانی اخیر جورج بوش

ناشی از ترس طبقه‌ی حاکم از عواقب سیاسی و اجتماعی سیل و طوفان کاترینا

شب گذشته جورج بوش از شهر مترکه نئوآورلئون خطاب به مردم آمریکا بالاخص مردم سه ایالت آسیب دیده سخنرانی تلویزیونی داشت. گذاشتن چنین سخنرانی بی مترقبه ای فی نفسه نشانگر ترس نه تنها دستگاه دولت بوش که کل طبقه‌ی حاکم آن کشور از جهت گیری و رشد اپوزیوسیونی در داخل کشور است که در پی از بین رفتن و آواره شدن مردم سه ایالت آلاباما، می‌سی‌سی‌پی و لوئیزیانا ایجاد شده است.

در طول هفته‌های اخیر، تمام ارگان‌های دولتی دستگاه حکومتی، از شهردار گرفته تا نماینده‌های مجلس این ایالات و مسنولین فدرال آن کشور مورد حمله و انتقاد مردم و حتی مطبوعات آمریکا و جهان قرار گرفته‌اند. مردم آمریکا که در پس حادثه ۱۱ سپتامبر و ایجاد وزارت "امنیت کشور" به دست جورج بوش، سکونت اختیار کرده و از لب برگشودن می‌هراسیدند، اکنون بی پروا در ملع عام به دشنام و انتقاد می‌پردازند.

انتقادهای در رابطه با تخریب و کشتار ناشی از سیل و طوفان کاترینا بر

پایه‌ی محورهای زیر استوار بوده است:

۱- با توجه به شدت این حادثه طبیعی و با توجه به موقعیت جغرافیایی این ایالات، مسئولین مربوطه هیچ گونه اقدام مناسبی در جهت حفظ جان و مال مردم به عمل نیاوردند. پیش از این در هنگام آمدن این گونه سیل و طوفان‌ها، مدارس، ادارات، مراکز تجاری تعطیل شده و به مردم دستور تخلیه اختیاری و یا اجباری (برحسب محل زندگی) محل سکونت و رفتن به پناهگاه‌های امن داده می‌شد و سپس کلیه‌ی وسایل نقلیه عمومی نیز تعطیل می‌گشت. در مورد این سیل و طوفان هم چنین شد، اما یک تفاوت هم وجود داشت:

۲- این تفاوت بالاخص در مورد ایالت لوئیزیانا و شهر نئوآرلئون صدق می‌کرد. این تفاوت در این بود که این بار نه تنها این ایالات را سیل گرفت، بلکه شهر نئوآرلئان که شکل یک جام را دارد، در درجه اول بر اثر سیل و طوفان در آب فرو رفت و سپس:

۳- با شکستن دو سد بالای سرش، ظرف سه روز کاملاً غرق در آب گردید. پناهگاه‌هایی که قرار بود، مردم را در خود حفظ کند، در آب فرو رفت. برق قطع شد و در نتیجه آن ارتباط آن‌ها با دنیای بیرون نیز قطع گردید. پس از سه روز مردم باقی مانده در منازل خود، به روی پست بام‌های خود رفته و در حالی که آب اطراف آن‌ها را پوشانیده بود، در انتظار رسیدن کمک گرسنه و تشنه باقی مانده بودند. مردمی که در پناهگاه‌ها در محاصره آب در آمده بودند نیز بدون آب و برق و خوراک، هزاران هزار نفر در انتظار رسیدن کمک مانده یا جان باختند و یا روزها و شب‌ها را به هلاکت پشت سر گذاشتند. بیمارستان‌ها که هم چنین در آب فرو رفته بودند، تدریجاً بدون غذا و نیازهای پزشکی مانده و مجبور بودند، بین نجات دادن بیماران خود، آنان را که شانس

زنده ماندن بیش تر داشتند، انتخاب کرده و در درجه اول آنان را نجات دهند. برای مثال در یکی از گزارشات خبری آمده بود که مسئولین بیمارستان نئواورلئان، برای رساندن مواد غذایی و دارو به بیماران، ارجحیت را به آنانی می دادند که قادر بودند، نام خود را تکرار کنند!

۴- در سایر مناطق آسیب دیده -به غیر از نئواورلئان- پس از گذر سیل و طوفان، مردم همراه در آب فرو رفته و به علت نداشتن امکانات قادر به ترک محل و نجات خود نگشتند. مردم بیمار و ناتوان در این پناهگاه ها نهایتاً جان باختند.

۵- افراد هزاران هزار خانواده همدیگر را گم کرده و اکنون کودکان بسیاری بدون پدر یا مادر روی دست دولت مانده اند. اغلب آن ها آن قدر کوچکند که نام و سن و سال خود را نمی دانند.

۶- در پی این همه، مقامات محلی و فدرال در رسانیدن کمک دریغ کرده و به دروغ دائماً اشاره بر رسانیدن کمک های گوناگون به مردم آسیب دیده را می کردند، در حالی که در حقیقت، هیچ گونه کمکی به هیچ یک از این مناطق نمی رسید. یک هفته پس از سیل و طوفان کاترینا، مردم هنوز در محاصره آب در حال زنده نگهداشتن خود بودند. آبی که تدریجاً می رفت تا محل را به مرداب تبدیل کند.

۷- اکثر قریب به اتفاق مردم کشته شده و آسیب دیده این مناطق را طبقه کارگر و کسانی که زیر خط فقر بسر می برند، تشکیل می دهند و اکثر مردم کارگر و کسانی که زیر خط فقر بسر می بردند و دستخوش این آسیب شدند بنا

به ظواهر امر سیاهپوست هستند. در نتیجه، این مسأله هم مطرح شده که این نارسایی رژیم ریشه‌ی نژادپرستانه داشته یا نه؟

سهل‌انگاری در ایجاد سدهای امن، سهل‌انگاری در رساندن کمک‌های لازم برای تخلیه و سهل‌انگاری در نجات مردم آسیب‌دیده، موقعیت سیاسی و اجتماعی دولت جورج بوش و سردمداران نظام سرمایه‌داری آمریکا را به لرزه درآورده است.

از این رو، سخنرانی شب گذشته جورج بوش که از لحنی ملت‌مسانه برخوردار بود، مملو از قول و قرارهایی بود که همچون خواب خوشی در خاطر شنونده باقی می‌ماند. جورج قول بازسازی تمامی این مناطق را داد. او گفت که این مناطق تنها بازسازی نخواهد شد، بلکه به طریقی بازسازی خواهد شد که دیگر هرگز چنین تجربیاتی را نداشته باشد. او به همه قول دادن یک خانه را داد. او گفت که مردم آواره این مناطق، صاحب آپارتمان خواهند شد، بلکه برای همه خانه ساخته خواهد شد. او همزمان قول پرداخت بیمه بیکاری را تا زمان اشتغال همه شاغلان آواره را داده و اشتغال آن‌ها را در آینده نزدیک تضمین نمود. رقم رسمی بیکاران مناطق آسیب‌دیده تا دیروز ۸۴ هزار نفر اعلام شده بود.

در کنار تمام این قول و قرارها، حقیقت این است که جورج بوش نگفت پول بازسازی این مناطق را از کجا تأمین خواهد کرد. علاوه بر این، حقیقت این است که این قول و قرارها در واقع آواز خوشی به گوش شرکت‌ها و تجارت‌های محلی است که از جورج بوش تضمین کمک مالی برای بازسازی را می‌خواهند و البته در این راستا اقبال کارگر این مناطق که به امید یافتن کار و داشتن خانه به این مناطق باز می‌گردد، تحت استثمار صاحبکاران

مناطق تجاری و مسکونی ای در می آیند که در این بازسازی از آب گل آلود ماهی می گیرند و دقیقاً همان طور که جورج بوش در بیاناتش اعلام داشت، چشم امیدش به همین سرمایه دارانی است که در بازسازی این مناطق می توانند سودهای کلانی را به جیب بزنند.

در تحلیل نهایی از سخنرانی اخیر جورج بوش، اگر چه در کمال فروتنی و التماس صورت گرفت، این نتیجه گرفته می شود که هدف کمک رسانی دولتی به این مناطق نیست و بازسازی از طریق ارگان های دولتی فدرال صورت نخواهد گرفت، بلکه او قصد دارد تا شرکت ها را دعوت به سرمایه گذاری کرده و بازسازی را بین آن ها تقسیم نماید. از این رو، چندان دور از تصور نخواهد بود که از هم اکنون باور داریم که قول و قرارهای "داشتن کار و خانه" برای مردم فقیر و کارگر این مناطق که دقیقاً به همین دلیل نتوانستند جان و مال خود را نجات دهند، نیست، بلکه این قول و قرارها چراغ سبزی به سرمایه دارانی که از این فرصت برای پر کردن هرچه بیش تر جیب های خود، می توانند استفاده کنند و بار دیگر، مردم فقیر این مناطق را به زیر یوغ ستم خود در بیاورند، می باشد.

این در حالی است که کنگره ی آمریکا که اکثریتش را امروز حزب جمهوریخواه تشکیل می دهد، خواهان مقررات جدیدی برای بازسازی این مناطق است که در آن از جمله حق تعقیب و طلب ضرر را بر افراد آسیب دیده ممنوع و کمک رسانی به سازمان های مذهبی را مقرر نموده و مقررات محیط زیست را برچیده و مالیات یکنواخت را برای همه، مدنظر قرار دهد.

علاوه براین، جورج بوش تحت عنوان کمک رسانی به مردم آسیب دیده در حال پیاده کردن ارتش در سطح این مناطق است، تا در حقیقت و در درجه ی

اول کنترل آرامش را در دست گیرد. نظامی کردن این مناطق خود، دال بر وضعیت نابسامان و جو شورشی این مناطق است.

در نتیجه سخنرانی دیشب جورج بوش تنها چیزی را که می توانست برای مردم فقیری که همه کسان و همه چیز خود را از دست داده اند، به ارمغان بیاورد، ادامه فقر ممتد و استثمار هر چه بیش تر است، نه "خانه و شغل"!

سارا قاضی

۱۶ سپتامبر ۲۰۰۵

بازنویس: یاشار آذری

آدرس اینترنتی کتاب خانه: <http://www.nashr.de>

ایمیل یاشار آذری: yasharazarri@gmail.com

مسئول نشر کارگری سوسیالیستی: یاشار آذری